فصلنامه پژوهش‌های پولی_ بانکی
سال نهم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۴۵۷_۴۸۵

تأثیر متغیرهای زمینه‌ای دموکراسی بر کنترل فساد اقتصادی؛ با تأکید بر حقوق مالکیت

حمید سپهر دوست [*] **عادل برجیسیان** [†]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۷

چکیده

هدف از این پژوهش در ابتدا، شناسایی پدیده فساد در یک تحلیل تعادل عمومی و سپس بررسی وابستگی آن به برخی متغیرهای تأثیرگذار اقتصادی، سیاسی نظیر نابرابری درآمد و حمایت از حقوق مالکیت با تأکید بر مقوله دموکراسی است. برای این منظور از داده‌های سری زمانی تابلویی شامل ۵۳ کشور منتخب و سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۳، استفاده شد. نتایج نشان داد که دموکراسی اثر منفی معنی‌داری بر فساد دارد. همچنین حقوق مالکیت، نرخ رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری رابطه منفی معنی‌داری با فساد دارند. به عبارت دیگر افزایش این متغیرها موجب کاهش فساد در اقتصاد شده است. از سوی دیگر ضریب جینی و بی‌ثباتی سیاسی رابطه مثبت معنی‌داری با شاخص فساد دارند. به‌طورکلی، بروز نابرابری‌های اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی، پایه‌های گسترش دموکراسی را ضعیف و زمینه‌های فساد در جامعه را فراهم می‌آورد. البته اثر دموکراسی بر روی فساد مشروط به متغیر حقوق مالکیت است، به‌طوری‌که با افزایش حمایت از حقوق مالکیت، دموکراسی می‌تواند عملکرد بهتری جهت کنترل فساد، به‌خصوص در کشورهای با اقتصاد رانتی نسبت به کشورهای غیر رانتی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: فساد، نابرابری درآمد، حقوق مالکیت، دموکراسی، داده‌های تابلویی.
طبقه‌بندی JEL: C23، D73، H11

[*] دانشیار و عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا؛ hamidbasu1340@gmail.com
[†] فارغ التحصیل دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا؛ adelberjisian@gmail.com

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

۱ مقدمه

بروز پدیده فساد و رانت جویی به‌عنوان مهم‌ترین عامل عدم دستیابی به رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه را می‌توان درون آثار منتج شده از فعالیت‌های هم بخش عمومی و هم بخش خصوصی جستجو نمود و به انتظار می‌رود که سازوکارهای تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی در این کشورها نیز متفاوت باشد. کافمن و همکاران[۱] (۱۹۹۹) و جین[۲] (۲۰۰۱) معتقدند که فساد با اضافه کردن عدم اطمینان، بازده فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار داده و کارآفرینان را مجبور به واگذاری بخشی از درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری جهت دسترسی به بازار هدف به مقامات فاسد می‌کند. از دیدگاه دیگری، جانسون و همکاران[۳] (۲۰۰۰) و گوپتا و همکاران[۴] (۲۰۰۲) معتقدند که عامل فساد، باعث تضعیف نظام مالیاتی و تشویق فرار مالیاتی از طرق قانونی نظیر اعطای معافیت‌های نادرست و همچنین غیرقانونی مالیاتی شده و منابع در دسترس برای ارائه خدمات بخش عمومی را محدود می‌سازد. به‌طوری‌که هزینه عملیاتی و ترکیب هزینه‌های دولت جهت جبران کاهش منابع در دسترس برای استفاده‌های دیگر از جمله تشکیل سرمایه انسانی را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد (مائورو[۵]، ۱۹۹۵). متأسفانه وفور منابع طبیعی در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته، راه را برای دریافت رانت آسان کرده و عمده فعالیت‌های اساسی به رانت‌جویی رقابتی منجر می‌شوند، به‌طوری‌که رانت منابع طبیعی حتی عاملان اقتصادی را تحریک می‌کند تا برای دسترسی به این منابع به دولت رشوه دهند. بدیهی است که رانت‌جویی گسترده به این صورت موجب ایجاد فساد در دولت، کسب‌وکار مردم، انحراف در تخصیص منابع و در نهایت کاهش کارآیی اقتصادی و همچنین افزایش نابرابری‌های اجتماعی می‌شود (گیلفاسن[۶]، ۲۰۰۱). بنابراین دیدگاه‌های اقتصادی بر این نکته مهم تأکید دارند که فساد می‌تواند مشوقی در جهت افزایش تخصیص ناکارآمد منابع دولتی به طرف کانال‌های فاسد و در راستای حداکثر کردن ماهیت رانت‌خواری باشد (مونتینولا و جکمن[۷]، ۲۰۰۲). شاهد بر

---

[1] Kaufmann et al.
[2] Jain
[3] Johnson et al.
[4] Gupta et al.
[5] Mauro
[6] Gylfason
[7] Montinola and Jackman

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

این ادعا نیز مطالعات تجربی بسیاری است که تأثیر فساد بر کاهش درآمد دولت (جانسون و همکاران، ۲۰۰۰)، کاهش رشد اقتصادی (بارو و سالای مارتین[۱]، ۱۹۹۵) و به چالش کشیده شدن مشروعیت نهادهای سیاسی و افزایش بی‌ثباتی سیاسی (پلگرینی[۲]، ۲۰۱۱) را تائید نموده‌اند.

در نقطه مقابل و از طرف دیگر، مقوله دموکراسی می‌تواند اثرات سودمندی هم از لحاظ اقتصادی و هم سیاسی داشته باشد و نهادهای سیاسی توانمندی کنترل قدرت دولت و محدود کردن رفتارهای رانت‌جویانه را دارند، به‌طوری‌که یکی از منافع دموکراسی فراهم شدن امکان حذف سردمدارن بی‌صلاحیت است. رز_ آکرمن[۳] (۱۳۸۵) بیان می‌دارد که دموکراسی‌های مبتنی بر پایه قوی قانونی، یک چهارچوب باثبات برای فعالیت اقتصاد فراهم می‌کنند و ازآنجایی‌که برای عملکرد مؤثر در این چارچوب، سیاستمداران باید به دنبال تجدید انتخاب باشند، بنابراین در خصوص انتخاب نظراتشان باید احساس امنی داشته باشند، البته این موضوع می‌تواند منجر به یک «پارادوکس ثبات[۴]» شود. در همین رابطه جانسون[۵] (۲۰۰۰) نیز تأکید می‌کند که کنترل بیش‌ازحد شهروندان باعث کاهش اعتماد آنها و افزایش فساد می‌شود. اگر چه فساد در جوامع دارای آزادی مطبوعات نیز وجود دارد، اما باید گفت آزادی مطبوعات و مردم‌سالاری این تضمین را می‌دهد که در صورت وقوع، فساد پنهان نمی‌ماند و افشاگری‌ها می‌تواند از رشد و گسترش فساد جلوگیری کند. تجربه کشورهای دموکراتیک نشان داده که سیاستمداران همواره «پاسخگو» به مردم و احزاب مخالف هستند و به‌منظور کسب آرا در انتخابات برای مردم ارزش بسیار قائلند، اما در کشورهای دارای دولت خودکامه، گروه‌های فشار با دادن رشوه به سیاستمداران به راحتی قوانین و لوایح تأمین‌کننده منافع خود را به تصویب رسانده و از این طریق فساد افزایش می‌یابد (رفیع پور، ۱۳۸۸). به‌طورکلی، ادبیات پیشین درباره روابط بین دموکراسی و فساد، شواهد متفاوتی را فراهم کرده است. سیروی و اینکلس[۶] (۱۹۹۰) معتقدند، وجود و حمایت از آزادی‌های اساسی باعث به وجود آمدن احساس و انتظار امنیت و به دنبال آن، منجر به تحریک مردم جهت

---

[1] Barro and Sala-i-Martin
[2] Pellegrini
[۳] Rose- Acherman
[4] Stability paradox
[۵] Janston
[۶] Sirowy and Inkeles

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

کار، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌گردد. به عقیده آن‌ها، مشارکت سیاسی عمومی نه تنها باعث شکسته شدن تمرکز بر منافع و علایق گروه اقلیت می‌گردد، بلکه موجبات افزایش گردش اطلاعاتی می‌گردد که برای داشتن دولت کارا و بهره‌ور مورد نیاز است. همچنین کلاو و همکاران[۱] (۱۹۹۶) نشان داده‌اند که دموکراسی نسب به رژیم‌های دیکتاتوری امنیت و آسایش بیشتری جهت اجرای حقوق مالکیت ایجاد می‌نماید، اما منافع دموکراسی در کوتاه‌مدت خود را نشان نمی‌دهد. هنگامی که دموکراسی دوران کوتاهی را تجربه کرده است، حقوق مالکیت هنوز ضعیف است، دموکراسی بلندمدت و ریشه‌دار ضمانت‌های بهتری جهت اجرای حقوق مالکیت فراهم می‌نماید. به‌طورکلی، تمرکز منابع در دست دولت، به علت آنکه هر فرد تلاش دارد به تنهایی سهم بیشتری از منابع را در اختیار بگیرد، از شکل گرفتن شبکه‌های افقی و گسترده اجتماعی جلوگیری نموده و در نتیجه، مجموعه‌هایی از روابط نابرابر عمودی و یک سویه میان دولت و مردم و غیر دموکراتیک به وجود می‌آید (پناهی و امینی، ۱۳۹۰).

هدف از این پژوهش در ابتدا، شناسایی پدیده فساد در یک تحلیل تعادل عمومی و سپس بررسی وابستگی آن به برخی متغیرهای تأثیرگذار اقتصادی، سیاسی نظیر نابرابری درآمد و حمایت از حقوق مالکیت با تأکید بر مقوله دموکراسی است. برای این منظور ابتدا سعی می‌گردد تا به کمک تخمین یک الگوی پیشنهادی، اثرات حقوق مالکیت، توزیع درآمد و دموکراسی بر روی درجه گسترش فساد توضیح داده شود، البته اثر نهایی دموکراسی و فساد، بستگی به سهم حمایت از حقوق مالکیت و توزیع درآمد در هر کشور دارد. برای مثال، اوزلانر[۲] (۲۰۰۸) تأکید دارد که انتقال به دموکراسی و اقتصاد بازار در اروپای شرقی بی‌ثباتی بزرگی را ایجاد کرده و سطوح نابرابری را افزایش داده است. در ادامه سعی می‌گردد تا در یک تحلیل مقایسه‌ای، تفاوت‌های موجود در ماهیت روابط بین متغیرهای فوق بین کشورهای رانتی برخوردار از منابع طبیعی فراوان و کشورهای غیر رانتی غیر برخوردار، مورد بررسی قرارگیرد.

۲ مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش در دو بخش تعادل اقتصادی و تعادل سیاسی ارائه شده است. به‌طوری‌که ابتدا یک الگوی نسلی- غیرتداخلی بر اساس الگوی گرادستین[۳] (۲۰۰۷) در نظر گرفته شد که در آن، افراد به‌صورت نوع‌دوستانه و با ترجیحات یکنواخت تنها برای یک دوره زندگی کرده و هر نسل شامل تعداد زیادی افراد است که به‌صورت یکنواخت بر روی دوره[۰,۱]

---

[۱] Clague et al.

[۲] Uslaner

[۳] Gradstein

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

توزیع شده‌اند. بنابراین فرض می‌شود، هر عضو i در نسل t دارای مطلوبیت به‌صورت رابطه (۱) است.

$$u_{i,t} = lnc_{it} + lny_{i,t+1} \quad (۱)$$

که در آن c_{it} مصرف شخصی، $y_{i,t+1}$ درآمد در دوره بعد متعلق به فرزند وی است. محدودیت بودجه نیز به‌صورت رابطه (۲) تعریف می‌شود.

$$y_{i,t} = c_{it} + k_{i,t+1} + r_{i,t+1} \quad (۲)$$

که در آن $y_{i,t}$ درآمد شخص i از والدین خود، $k_{i,t+1}$ سرمایه تولیدی و r_{it+1} سرمایه غیرتولیدی در جستجوی رانت تعریف هستند. در ادامه برای تسهیل در انجام کار رابطه (۳) فرض می‌شود.

$$y_{i,t} = y_t + e_t \quad (۳)$$

که در آن y_t متوسط درآمد نسل t و $e_{i,t} = y_{i,t} - y_t$ شاخص توزیع درآمد و نشان‌دهنده درجه نابرابری توزیع درآمد در الگوی اقتصادی است. تابع تولید با بازدهی کاهنده نسبت به مقیاس و بدون دولت نیز به‌صورت رابطه (۴) فرض می‌شود.

$$y_{i,t+1} = Ak_{i,t+1}^{\alpha} \; , A > 0, 0 < \alpha < 1 \quad (۴)$$

بر اساس مطالعه آلسینا و آنجیتوس (۲۰۰۵)، فرض می‌شود که دولت مالیات با نرخ ثابت[1] بر روی سرمایه فرد وضع کند و از طریق آن پرداخت انتقالی یکجا[2] برای همه افراد تأمین مالی شود. چنانچه نرخ مالیات τ باشد که در طی فرآیند قبل از رأی‌گیری در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌شود، پس مجموع انتقال برابر $\tau \int_0^1 k_{j,t+1} dj$ خواهد بود. البته توزیع پرداخت انتقالی در میان افراد به‌وسیله فعالیت‌های جستجوی رانت تعیین می‌شود. همچنین مطابق با الگوی سونین[3] (۲۰۰۳) و گرادستین (۲۰۰۷) فرض می‌شود که سهم پرداخت انتقالی به‌دست‌آمده توسط فرد i برابر با رابطه (۵) است.

---

[1] Flat tax

[2] Lump-sum transfer

[3] Sonin

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

$$q_{it+1} = \frac{k_{i,t+1}(r_{i,t+1}+P_{t+1})}{\int_0^1 k_{j,t+1}(r_{j,t+1}+P_{t+1})dj} \quad (۵)$$

معادله فوق (۵)، به‌صورت ضمنی اشاره به آن دارد که با سطح مشخصی از حقوق مالکیت عمومی یعنی P_{t+1} (>0)، سهم پرداخت انتقالی به یک فرد می‌تواند با توجه به مقدار نهاده فرد، افزایش و با توجه به نهاده سایر افراد به‌عنوان رقیب، کاهش یابد. بر طبق مطالعه آلسینا و آنجیتوس (۲۰۰۵)، به‌صورت منطقی فرض می‌شود با افزایش پرداخت انتقالی، سطح فساد افزایش می‌یابد. در ادامه، موجودی اولیه سرمایه خالص فرد i بعد از توزیع مجدد توسط سرمایه‌گذاری تولیدی و غیرتولیدی به‌صورت رابطه (۶) و محصول تولیدشده به‌وسیله فرد i در دوره $t+1$ به‌صورت رابطه (۷) به دست می‌آیند.

$$k^n_{i,t+1} = \frac{\tau_{t+1}k_{i,t+1}(r_{i,t+1}+P_{t+1})}{\int_0^1 k_{j,t+1}(r_{j,t+1}+P_{t+1})dj}\int_0^1 k_{j,t+1}dj + (1+\tau_{t+1})k_{i,t+1} \quad (۶)$$

$$y_{i,t+1} = A\left(k^n_{i,t+1}\right)^{\alpha} = A\left(\frac{\tau_{t+1}k_{i,t+1}(r_{i,t+1}+P_{t+1})}{\int_0^1 k_{j,t+1}(r_{j,t+1}+P_{t+1})dj}\int_0^1 k_{j,t+1}dj + (1+\tau_{t+1})k_{i,t+1}\right)^{\alpha} \quad (۷)$$

بنابراین مطلوبیت فرد i می‌تواند به‌صورت رابطه (۸) نوشته شود.

$$u_{i,t} = lnc_{i,t} + \ln\{A\left(\frac{\tau_{t+1}k_{i,t+1}(r_{i,t+1}+P_{t+1})}{\int_0^1 k_{j,t+1}(r_{j,t+1}+P_{t+1})dj}\int_0^1 k_{j,t+1}dj + (1+\tau_{t+1})k_{i,t+1}\right)^{\alpha}\} \quad (۸)$$

همچنین بر اساس الگوی پیشنهادی سونین (۲۰۰۳) و گرادستین (۲۰۰۷)، فرض می‌کنیم $\int_0^1 k_{jt+1}dj$ و $\int_0^1 k_{j,t+1}r_{j,t+1}dj$ برای هر فرد برونزا باشد.

در ادامه با توجه به روابط فوق‌الذکر جهت به دست آوردن شرایط تعادل با توجه به تابع مطلوبیت فرد از طریق حداکثر کردن مقید تابع مطلوبیت، شرایط مرتبه اول را به دست می‌آورده و به این‌گونه عمل می‌کنیم که در شرایط تعادلی اقتصادی و برای هر فرد i، الگوی تصمیم‌گیری بهینه به شرح روابط (۹) الی (۱۱) است.

$$\underset{c_{i,t},k_{i,t+1},r_{i,t+1}}{\text{Max:}} \quad u_{i,t}$$

$$\text{s.t. } y_{i,t} = c_{i,t} + k_{i,t+1} + r_{i,t+1}$$

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

$$c_{i,t} = \frac{۱}{۲\alpha+۱}\left(y_{it} + P_{t+۱} + \frac{(۱-\tau_{t+۱})R}{\tau_{t+۱}K}\right) \quad (۹)$$

$$k_{i,t+۱} = \frac{\alpha}{۲\alpha+۱}\left(y_{it} + P_{t+۱} + \frac{(۱-\tau_{t+۱})R}{\tau_{t+۱}K}\right) \quad (۱۰)$$

$$r_{i,t+۱} = \frac{\alpha}{۲\alpha+۱}\left(y_{it} + P_{t+۱} + \frac{(۱-\tau_{t+۱})R}{\tau_{t+۱}K}\right) - \left(P_{t+۱} + \frac{(۱-\tau_{t+۱})R}{\tau_{t+۱}K}\right) \quad (۱۱)$$

که در آن‌ها فرض می‌شود: $K = \int_{۰}^{۱} k_{j,t+۱}dj$ و $R = \int_{۰}^{۱} k_{j,t+۱}r_{j,t+۱}dj$

به آسانی می‌توان مشاهده نمود درحالی‌که $r_{i,t+۱}$ و $\tau_{t+۱}$ افزایش می‌یابند، $k_{i,t+۱}$ و $c_{i,t+۱}$ کاهش خواهند یافت و این با نتایج پیشین سازگار بوده و مطلوبیت بهینه فرد i به‌صورت رابطه (۱۲) می‌شود.

$$u_{it} = (۲\alpha + ۱)ln\left(y_{it} + P_{t+۱} + \frac{(۱+\tau_{t+۱})R}{\tau_{t+۱}K}\right) + \alpha ln\tau_{t+۱} + C \quad (۱۲)$$

که در آن: $C = lnA - (۲\alpha + ۱)\ln(۲\alpha + ۱) + \alpha(۲ln\alpha + lnk - lnr)$

نرخ بهینه مالیات $\tau^*_{i,t+۱}$ برای فرد i، به‌صورت رابطه (۱۳) است.

$$\frac{\partial u_{it}}{\partial \tau_{it+۱}} = ۰$$

$$\tau^*_{it+۱} = \frac{\alpha+۱}{\alpha\left((y_{it}+P_{t+۱})\frac{K}{R}-۱\right)} \quad (۱۳)$$

چنانچه نرخ مالیات به‌وسیله رأی اکثریت در جامعه تعیین شود، رأی‌دهنده محوری[۱] (m)، نرخ مالیات را تعیین خواهد نمود (رابطه (۱۴)).

$$\tau^*_{t+۱} = \frac{\alpha+۱}{\alpha\left((y_{mt}+P_{t+۱})\frac{K}{R}-۱\right)} \quad (۱۴)$$

بدون از دست دادن کلیت موضوع، فرض می‌شود $y_{m,t} = y_t + e_{m,t}$، که در آن، y_t: متوسط درآمد افراد در زمان t و $e_{m,t}$: نشان‌دهنده نابرابری درآمد در اقتصاد است (رابطه (۱۵)).

[۱] Pivotal voter

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

$$\tau_{t+1}^{*}=\frac{\alpha+1}{\alpha\left(\left(y_t+e_{m,t}+P_{t+1}\right)\frac{K}{R}-1\right)} \quad (15)$$

مطابق با الگوی مطالعاتی آلسینا و آنجیتوس (۲۰۰۵)، نرخ مالیات τ در الگو، نشان‌دهنده سطح فساد است، به‌طوری‌که افزایش نرخ مالیات منجر به افزایش جستجوی رانت برای درآمد مالیاتی و به دنبال آن افزایش سطح فساد خواهد شد و بالعکس. بنابراین، می‌توان از معادله (۱۵)، جهت بررسی اثر دموکراسی بر مقوله فساد با توجه به حمایت از حقوق مالکیت، نابرابری درآمد و توسعه اقتصادی یک جامعه استفاده نمود. بدیهی است که در برخی شرایط، دموکراسی ممکن است حتی فساد را افزایش دهد. همچنین بر طبق معادله (۱۵)، دموکراتیزه کردن ممکن است نرخ مالیات را افزایش دهد که باعث تقاضای بیشتر برای توزیع مجدد و نهایتاً افزایش فساد خواهد شد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اثر دموکراسی بر فساد در کشورهای مختلف به وضعیت نابرابری درآمد، میزان حمایت از حقوق مالکیت و سطح توسعه‌یافتگی کشورها وابسته است. این نتیجه‌گیری از الگو، همسو با نتیجه مطالعه کرولاتی و همکاران[1] (۲۰۰۸) است که نشان داد، در شرایط نابرابری درآمدی بالا، پدیده دموکراسی موجب تضاد اجتماعی می‌شود، درحالی‌که شرایط الیگارشی می‌تواند از بروز این تضاد جلوگیری نماید.

در نتیجه‌گیری دوم از الگو (معادله ۱۵) و با فرض ثبات سایر شرایط، این‌گونه استنباط می‌شود که، نابرابری درآمد موجب فساد می‌گردد، به‌طوری‌که در شرایط بد نابرابری درآمد در یک کشور ($e_{m,t}<0$)، درآمد رأی‌دهنده از متوسط آن پایین‌تر است و بنابراین تمایل به انتخاب نرخ مالیات بالاتر برای توزیع مجدد وجود دارد و این یعنی افزایش فساد. درحالی‌که وقتی که توزیع درآمد در یک اجتماع عادلانه‌تر است ($e_{m,t}>0$)، رأی‌دهنده با درآمدی بالاتر از متوسط، نرخ مالیات پایین‌تری را انتخاب نموده و به توزیع مجدد درآمد بی‌میل خواهد بود و این یعنی کاهش فساد. به‌طور خلاصه، نابرابری درآمد بستر مناسبی را برای اشاعه فساد مخصوصاً در محیط‌های دموکراتیک آماده می‌کند. گلاسر و همکاران[2] (۲۰۰۳) و سونین (۲۰۰۳) معتقدند که توزیع نابرابر درآمد، سرچشمه حکمرانی ضعیف است.

---

[1] Cervellati et al.

[2] Glaeser et al.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

تاکیوویلا[1] (۱۸۳۵) در مطالعات خود، احتمال رخ داد نتایج بالا را به معنای «ظلم اکثریت[2]» برای کشورهای دموکراتیک اخطار کرده بود. در دیدگاه او، ظلم اکثریت به شرایطی اطلاق می‌گردد که اکثریت از قدرت خود در یک دموکراسی استفاده کنند تا علایق خود را نسبت به علایق اقلیت‌ها به کرسی بنشانند. مشخصاً، اگر توزیع درآمد در یک کشور نابرابر باشد، نظام دمکراتیک فراهم‌شده با برابری سیاسی، ممکن است منجر به توزیع مجدد بیش‌ازاندازه و یا حتی سلب مالکیت عمومی شود؛ آن چیزی که می‌تواند حمایت از حقوق مالکیت را ضعیف و فساد را افزایش دهد. این خطر در وضعیت‌های ایده‌آل با برابری و آزادی کامل همان‌گونه که تاکیوویلا (۱۸۳۵) بیان داشت، ظاهر نخواهد شد. به آسانی از الگوی معرفی‌شده (معادله ۱۵) مشخص است که حمایت از حقوق مالکیت همبستگی منفی با فساد دارد. به‌طوری‌که با افزایش P_{t+1} یعنی حمایت حقوق مالکیت، مقدار τ^*_{t+1} یا فساد کاهش می‌یابد. این نتیجه را در رابطه (۱۶) می‌توان مشاهده نمود.

$$\frac{\partial \tau^*_{t+1}}{\partial (K/R)} < 0, \quad \frac{K}{R} = \frac{\int_0^1 k_{j,t+1} dj}{\int_0^1 k_{j,t+1} r_{jt+1} dj} \tag{۱۶}$$

بدیهی است که مقدار $r_{j,t+1}$، همبستگی منفی با سطح حمایت از حقوق مالکیت داشته باشد و انسان عقلایی در شرایط حمایت ضعیف از حقوق مالکیت، مخارج بیشتری را به مصرف اختصاص دهد. بنابراین K/R منعکس‌کننده امنیت حقوق مالکیت و نشان‌دهنده رابطه عکس حقوق مالکیت مطمئن و فساد است. از معادله (۱۵) می‌توان استنباط نمود که حقوق مالکیت ممکن است به‌عنوان یک ضریب از دموکراسی و نابرابری درآمدی بر حسب تأثیرگذاری بر روی فساد عمل نماید. علاوه بر این، دموکراسی ممکن است بر حمایت از حقوق مالکیت از طریق نرخ مالیات اثر بگذارد. به‌طور خلاصه، راهکار اثرگذاری در این الگو به‌صورت غیرمستقیم عمل می‌کند، به‌طوری‌که ابتدا رأی‌گیری با خود نرخ مالیات τ^*_{t+1} را تعیین کرده و بر $r_{j,t+1}$ و $k_{j,t+1}$ اثر می‌گذارد و از این طریق در نهایت بر مقوله حمایت از حقوق مالکیت K/R اثر خواهد گذاشت. در این رابطه، کرولاتی(۲۰۰۸) به نکته ارزشمندی اشاره می‌کند که دموکراسی اگرچه برای تقویت حمایت از حقوق مالکیت ایجاد شده است، اما برای حمایت از حقوق مالکیت نه کافی و نه ضروری است. از معادله(۱۵) همچنین می‌توان نتیجه گرفت که $\frac{\partial \tau^*_{t+1}}{\partial y_t} < 0$؛ یعنی گسترش سطح درآمد متوسط از طریق توسعه اقتصادی، فساد را کنترل

[1] Tocqueville
[2] Tyranny of the majority

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

خواهد نمود و این امر با نتیجه گرفته‌شده توسط اکثر مطالعات تجربی تائید شده است (تریزمن، ۲۰۰۷). به‌طور خلاصه، نتایج نظری حاصل از الگوی معرفی‌شده در قالب چارچوب نظری در این بخش بیانگر این واقعیت است که سطح فساد در یک اقتصاد، مشترکاً توسط دموکراسی، حمایت از حقوق مالکیت و نابرابری درآمد تعیین می‌شود. به‌طوری‌که، اثر دموکراسی سیاسی بر روی فساد بستگی به شرایط اقتصادی و اجتماعی مانند حمایت از حقوق مالکیت و نابرابری درآمد دارد.

۳ پیشینه مطالعات تجربی

در مبانی تئوریک و هنگام برخورد با مشکل عدم تطابق شواهد خطی و غیرخطی بین دموکراسی و فساد، نیاز به وارد نمودن عوامل دیگر در تحلیل جهت درک بهتر روابط بین متغیرهای فوق استنباط می‌گردد و عمدتاً اثر دموکراسی بر روی فساد را مشروط به نحوه توزیع درآمد و شکل استقرار حقوق مالکیت می‌دانند. در این رابطه، مهاتدی و روی[۱] (۲۰۰۳) ارتباط بین فساد و دموکراسی را الگوسازی نموده‌اند. آن‌ها فرض می‌کنند که دموکراسی همان جریان آسان اطلاعات و دسترسی امکان‌پذیر به دولت است، به‌طوری‌که از نظر آن‌ها، جوهر و اصل دموکراسی را سهم انتخاباتی و رقابت سیاسی و فساد تشکیل می‌دهد و بروز فساد همان فعالیت جستجوی رانت به‌حساب می‌آید. همچنین آلسینا و آنجیتوس[۲] (۲۰۰۵) با معرفی یک الگوی نسلی- غیرتداخلی[۳]، سعی در نشان دادن وجود حالت باثبات چندگانه در سطوح نابرابری، توزیع مجدد درآمد و فساد نمودند. اگر چه آدیس و دی تلا (۱۹۹۷) و فیزمن و گتی[۴] (۲۰۰۲) در مطالعه ابتدایی خود هرگونه اثرات قابل توجه بر روی فساد از طریق حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی را رد نمودند، اما آدیس و دی تلا[۵] (۱۹۹۹) در پژوهش بعدی خود به این نتیجه رسید که حقوق سیاسی کم با سطح فساد کم همبستگی پایینی دارند.

تریزمن[۶] (۲۰۰۰) در پژوهش خود اثر مستقیم و معنی‌داری از دموکراسی بر روی فساد پیدا نکرد، اگرچه مطالعه وی نشان داد که در طی دموکراسی، کاهش معنی‌داری در فساد

---

۱ Mohatdi and Roe
۲ Alesina and Angeletos
۳ Non-overlapping-generation
۴ Fisman and Gatti
۵ Ades and Di Tella
۶ Treisman

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

اتفاق افتاده است. در پژوهش‌های بعدی، گلداسمیت[۱] (۱۹۹۹) اعلام نمود که دموکراسی سیاسی با درجه پایینی از فساد سیاسی همراه است و چاودری[۲] (۲۰۰۴) نتیجه گرفت که وجود دموکراسی می‌تواند سطح فساد را به‌طور معنی‌داری کاهش دهد. از دیدگاه متفاوت دیگر، مطالعه بوهرا و همکاران[۳] (۲۰۰۴) نشان داد که مشارکت شهروندی در رقابت‌های انتخاباتی، تا حدود زیادی میزان کنترل بر فساد را افزایش می‌دهد. گل و نلسن[۴] (۲۰۰۵) در مطالعه مشترک خود و بر اساس شواهد تجربی به‌دست‌آمده، نتیجه گرفتند که کشورهای با دموکراسی ضعیف، همیشه سطح بالایی از فساد دارند. امرسون[۵] (۲۰۰۶) نشان داد که سطح بالای حقوق سیاسی در جوامع درحال‌توسعه، اثر کاهشی بر روی فساد دارد. همچنین بیلگر و گل[۶] (۲۰۰۹) با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان دادند که تنها در کشورهای با فساد بالا، وجود دموکراسی کاهش معنی‌داری در فساد ایجاد می‌کند.

بئنودی مسکویتا و همکاران[۷] (۲۰۰۱) این ایده را مطرح نمودند که وجود کنترل اندک بر روی قدرت سردمداران استبدادی باعث شده تا اکثر آن‌ها درگیر پارتی‌بازی[۸] و فساد شوند. همچنین لیپست[۹] (۱۹۵۹) مطرح می‌نماید که رابطه‌ای نزدیک بین ثروت و دموکراسی وجود دارد و در جوامع صنعتی که در آن ثروت از طریق تعداد زیادی از تولیدکنندگان صنعتی به وجود می‌آید، احتمال به وجود آمدن دموکراسی بیشتر است، زیرا در نظامی که در آن انتخاب سیاسی و اقتصادی آزاد به اندازه کافی جهت ایجاد خلق ثروت وجود دارد، قشر متوسط مشارکت قوی خواهند داشت.

نتایج مطالعه رودریک[۱۰] (۲۰۰۲) نشان داد که نهادهای دموکراتیک، نظام قضائی مستقل و کارا و بروکراسی غیرفاسد، بهترین نهادها جهت مدیریت توزیع تعارضات اجتماعی است. در

---

[۱] Goldsmith
[۲] Chowdhury
[۳] Bohara et al.
[۴] Goel and Nelson
[۵] Emerson
[۶] Billger and Goel
[۷] Bueno de Mesquita
[۸] Cronyism
[۹] Lipset
[۱۰] Rodrik

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

همین رابطه، نورث[1] (۱۹۹۰) و بوئنودی ماسکیتا (۲۰۰۱) بر این نکته تأکید می‌کنند که در رژیم‌های دموکراتیک، شهروندان می‌توانند سیاستمداران فاسد را حذف کرده و باعث رشد اقتصادی شوند. آنها عقیده دارند، وجود امکان تنبه افراد انتخاب‌شده انگیزه قوی برای سیاستمداران است تا فعالیت‌های خود را در زمینه‌هایی که به لحاظ اقتصادی نسبتاً فاسد هستند، محدود نمایند. از سوی دیگر در رژیم‌های استبدادی، حذف کردن سردمداران استبدادی که جامعه را به سمت شکل‌های بسیار هزینه بر فساد هدایت می‌کنند سخت است. لاپورتا و همکاران[2] (۱۹۹۹)، مقوله فساد و ریشه‌های آن را از جنبه دیگری مورد مطالعه قرار داده و بر عوامل فرهنگی و تاریخی تأکید کردند و برای مثال اعتقاد به وجود رابطه مستقیم بین وجود اقلیت‌های نژادی و فساد دارند.

کوترا و همکاران[3] (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی حجم دولت، فساد و دموکراسی پرداخته و نتایج بررسی آنها نشان داد که اگر سطح دموکراسی بالا باشد، افزایش در حجم دولت، فساد را کاهش می‌دهد و اگر سطح دموکراسی پایین باشد، افزایش در حجم دولت باعث افزایش فساد می‌شود. تریزمن (۲۰۰۰) و آدسرا و همکاران[4] (۲۰۰۳) نیز در بررسی رابطه بین دموکراسی و فساد، به یک رابطه معنی‌دار دست یافته و نشان دادند که دموکراسی از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فساد است. مونتینولا و جک من[5] (۲۰۰۲) علاوه بر آزمون‌های مرتبط با رابطه خطی فساد ـ دموکراسی، به بررسی اثرات غیرخطی رقابت سیاسی بر روی پدیده فساد پرداخته و نشان دادند که اگرچه فساد در کشورهای دیکتاتوری، کمتر از کشورهای تا اندازه‌ای دموکراتیک است، اما این ارتباط بعد از آستانه‌ای از سطح دموکراتیک بودن، کاهش می‌یابد. در ارتباط با روش تحلیل رابطه بین دموکراسی و فساد، سانگ[6] (۲۰۰۴) استنباط می‌کند که تابع مکعبی با داده‌های تابلویی، بهترین تابع برای بررسی رابطه بین دموکراسی و فساد است. مهاتدی و روی (۲۰۰۳) با طراحی یک الگوی رشد درون‌زای دوبخشی، به بررسی رفتار عاملان اقتصادی در جستجوی رانت از بخش تولید، مشاهده نمودند که یک اثر U ـ برگشتی از دموکراسی بر روی فساد در کشورها وجود دارد، به‌طوری‌که

---

[1] North
[2] La Porta
[3] Kotera et al.
[4] Adsera et al.
[5] Montinoland and Jachman
[6] Sung

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

رانت و سطح فساد در کشورهای دموکراتیک جوان، افزایش و در کشورهای دموکراتیک قدیمی، با هم کاهش می‌یابد.

راک[1] (۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود از رهیافت متغیر ابزاری برای نمایش تجربی یک ارتباط U ـ برگشتی بین دموکراسی و فساد استفاده نمود. ساها و همکاران[2] (۲۰۰۹)، با استفاده از شاخص‌های ۸ گانه آزادی اقتصادی و رگرسیون اثرات ثابت به بررسی پیچیدگی رابطه بین دموکراسی و فساد پرداخته و نشان دادند که آزادی اقتصادی همیشه فساد را کاهش داده، به‌طوری‌که دموکراسی تحت آزادی اقتصادی ضعیف و قوی، به ترتیب فساد را افزایش و کاهش می‌دهد. در همین رابطه، مطالعه گل و نلسن[3] (۲۰۰۵) نشان داد که اجزای متفاوت آزادی اقتصادی بر فساد اثرات متفاوتی دارند و تشخیص تفکیکی، راهکار و ارتباط روشن بین متغیرهای دموکراسی، آزادی اقتصادی و فساد مشکل به نظر می‌رسد.

در بین مطالعات داخلی، صباحی و ملک الساداتی (۱۳۸۸)، به بررسی تأثیر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی در نمونه‌ای وسیع از کشورهای جهان و در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ پرداختند. نتایج تحقیق، گویای این واقعیت است که اگرچه در کشورهای پردرآمد و کشورهای دارای درآمد متوسط، کنترل فساد با رشد اقتصادی ارتباط مثبت معناداری دارد، اما در کشورهای کم‌درآمد، این ارتباط منفی و معنادار است. صادقی و همکاران (۱۳۸۹)، سعی در اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی) نموده و بیان داشتند که فساد پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و دارای علل و آثار چندگانه است و دامنه آن از یک عمل فردی (مانند رشوه) تا یک سوء عمل فراگیر که تمام ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در برمی‌گیرد، گسترده است. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد که با فرض آنکه حجم اقتصاد زیرزمینی و شاخص واقعی دستمزد مهم‌ترین عوامل اقتصادی پدیده فساد باشند، روند شاخص فازی فساد ایران در فاصله سال‌های ۴۳ تا ۴۸ با شاخص عددی حدود ۰/۷ بیشترین مقدار را داشت. طی سال‌های (۵۳ـ ۱۳۴۸) کاهش، در فاصله سال‌های (۱۳۵۳-۵۸) و همچنین از سال ۱۳۷۳ به بعد روند صعودی داشته است. بعد از انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی نیز، شاخص عددی از پایداری نسبی (بین ۰/۳ تا ۰/۵) برخوردار بوده است. همچنین، صیادزاده و علمی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی رابطه فساد، اندازه دولت و درجه باز بودن اقتصاد در مدل‌های رشد پرداخته و نتایج بیانگر اثر مثبت درجه بازی اقتصاد

[1] Rock

[2] Saha et al.

[3] Goel and Nelson

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

بر کاهش فساد اقتصادی و رابطه معکوس اندازه دولت با شاخص فساد اقتصادی است، به‌طوری‌که هرچه اندازه دولت کوچک‌تر باشد، با فساد اقتصادی کمتر مواجه خواهیم بود.

در ارتباط با واژه اقتصادی رانتیر[1]، مربوط به کشورهایی که مشکل وابستگی شدید به وفور منابع طبیعی دارند و اثرات منفی این وابستگی، اقتصاد آن‌ها را با توسعه‌نیافتگی مواجه نموده است، اولین بار توسط مهدوی[2] (۱۹۷۰)، تحت عنوان «الگوها و مشکلات توسعه اقتصادی در کشورهای رانتیر: مطالعه موردی ایران» مطرح‌شده و توسط دانشگاه آکسفورد در «مطالعات تاریخ اقتصادی خاورمیانه» منتشرگردید. در این پژوهش که با بررسی داده‌های بازه زمانی ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶ کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه ایران انجام شد مشخص گردید که الگوهای رشد اقتصادهای رانتی شده در این کشورها، متفاوت از الگوی رشد اقتصادی آن‌ها درگذشته است. تعریف محقق از اقتصاد رانتی در این پژوهش عبارتست از ویژگی کشورهایی که مقدار قابل توجه و مداومی از رانت خارجی دریافت می‌کنند. در مورد ایران، منظور از رانت خارجی همان پرداختی بابت صادرات مواد خام نظیر نفت است که ارتباط کمی با فرایند تولید اقتصاد داخلی دارد. در این نمونه از کشورها محصول مورد نظر بیشتر در بخش معدن است و معمولاً بخش‌های مورد نظر حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GNP) و یا حدود ۴۰ درصد صادرات کشور را به خود اختصاص می‌دهند (بانک جهانی، ۱۹۹۷).

هدف از مطالعه حاضر در ابتدا، شناسایی پدیده فساد در یک تحلیل تعادل عمومی و سپس بررسی وابستگی آن به برخی متغیرهای تأثیرگذار اقتصادی، سیاسی نظیر نابرابری درآمد و حمایت از حقوق مالکیت با تأکید بر مقوله دموکراسی است. برای این منظور ابتدا سعی می‌گردد تا به کمک تخمین یک الگوی پیشنهادی، اثرات حقوق مالکیت، توزیع درآمد و دموکراسی بر روی درجه گسترش فساد توضیح داده شود. در ادامه لازم است در یک تحلیل مقایسه‌ای، تفاوت‌های موجود در ماهیت روابط بین متغیرهای فوق بین کشورهای رانتی برخوردار از منابع طبیعی فراوان و کشورهای غیر رانتی غیر برخوردار، مورد بررسی قرارگیرد که از این نظر با مطالعات انجام‌شده در قبل متفاوت خواهد بود.

۴ روش تحقیق

با توجه به الگوی ارائه شده در مبانی نظری پژوهش و همچنین خلاصه نتایج حاصل از ارائه مطالعات تجربی انجام‌شده، در این پژوهش، از عوامل و متغیرهای متفاوتی جهت

[1] Rentier economy
[2] Mahdavi

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

اندازه‌گیری متغیرهای منافع و هزینه فساد بهره گرفته شد تا معنادار بودن آنها آزمون شود. اگرچه در ادبیات مبارزه با فساد و در خصوص عوامل تعیین‌کننده فساد اتفاق‌نظری واحد به‌دست نیامد، اما مشخص گردید که شاید تأثیرگذار بر فساد، مقوله دموکراسی باشد که هم از جنبه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و هم تضارب قدرت سیاسی در گزینه انتخاب، تأثیر قابل توجهی بر فساد دارد. برای این منظور، از متغیر دموکراسی که میانگین شاخص‌های حقوق سیاسی و آزادی مدنی بوده و به‌عنوان یک عامل سیاسی بر فساد تأثیر دارد، استفاده شد. انتظار می‌رود که شاخص حقوق سیاسی، شامل انتخابات دموکراتیک، قوه قانون‌گذاری احزاب مخالف و شاخص آزادی مدنی، شامل رسانه‌های گروهی آزاد و مستقل، آزادی بیان و تشکل اجتماع، با فساد همبستگی منفی داشته باشند. اگرچه هیچ نظام سیاسی مبرا از فساد را نمی‌توان یافت اما بین میزان فساد، مردم‌سالاری و سطح توسعه‌یافتگی رابطه وجود دارد، به این معنی که هر چه سطح توسعه‌یافتگی بالاتر و میزان دخالت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و نحوه مدیریت جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت فساد قابلیت بروز کمتری دارد. جهت ارزیابی رابطه فساد با حقوق مالکیت، نابرابری درآمد و دموکراسی، با استفاده از دو متغیر نابرابری درآمد و حمایت از حقوق مالکیت به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر رابطه دموکراسی و شاخص فساد، در الگوی اندازه‌گیری پژوهش به‌صورت روابط ۱۷ و ۱۸ معرفی شده است.

$$corr_{i,t} = c. + c_1 democ_{it} + c_2 Gini_{i,t} + c_3 PR_{it} + c_4 X_{i,t} + e_{i,t} \quad (۱۷)$$

$$corr_{i,t} = c. + c_1 democ_{i,t} + c_2 Gini_{i,t} + c_3 PR_{i,t} + c_4 democ_{i,t} * PR_{i,t} + c_5 democ_{i,t} * Gini_{i,t} + c_6 X_{i,t} + e_{i,t} \quad (۱۸)$$

که در آن‌ها، متغیر $corr_{i,t}$ نمایانگر شاخص فساد کشور i برای زمان t و متغیر $democ_{i,t}$ نمایانگر شاخص دموکراسی کشور i برای زمان t ، متغیر $Gini_{i,t}$ نمایانگر شاخص نابرابری توزیع درآمد جینی، و متغیر PR_{it} نشانگر شاخص حمایت از حقوق مالکیت هستند. همچنین $X_{i,t}$ برداری از متغیرهای کنترل و تعیین‌کننده فساد مطابق با ادبیات نظری و تجربی پژوهش شامل متغیر HC سرمایه انسانی (تعداد ثبت‌نامی در مقطع متوسط مدارس)، متغیر GOV: اندازه دولت (نسبت هزینه‌های مصرفی دولت به GDP)، متغیر PI بی‌ثباتی سیاسی، متغیر INV سرمایه‌گذاری (تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به‌صورت درصدی از GDP) و متغیر OPEN درجه باز بودن تجاری می‌باشد.

در این پژوهش، از داده‌های تابلویی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۳، مربوط به ۵۳ کشور منتخب شامل کشورهای توسعه‌یافته که در «پیوست ۱» آمده، استفاده شد تا بر مبنای تخمین یک

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

سیستم معادلات پانل برای این تعداد از کشورها، بتوان در ابتدا به بررسی اثر دموکراسی بر فساد پرداخت و سپس یک تحلیل مقایسه‌ای نسبی از روابط بین متغیرهای مذکور در بین کشورهای رانتی و کشورهای غیر رانتی ارائه داد. جهت انتخاب کشورها از دو طیف کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه استفاده شد. از آنجا که در بخشی از این پژوهش کشورهای رانتی و غیر رانتی با یکدیگر مقایسه می‌شوند، ۱۵ کشور با اقتصاد رانتی که بنا بر تعریف بانک جهانی و بر مبنای صادرات نفت جزو کشورهای رانتی محسوب می‌شوند، انتخاب شدند. در این قبیل از کشورها، عمده محصولات تولیدی در بخش معدن بوده و حدود ۱۰ درصد GNP و یا حدود ۴۰ درصد صادرات کشورهای مزبور را به خود اختصاص می‌دهند (World Bank, 1979). همچنین برای شاخص فساد، از شاخص معتبر راهنمای ریسک کشورهای بین‌المللی[1] (ICRG) استفاده شد. نمره‌دهی شاخص به‌گونه‌ای است که نمرات داده‌شده بین صفر تا ۱۰۰ تقسیم می‌شوند. اعداد بالاتر نشان‌دهنده پایین بودن فساد در کشور است و با فاصله گرفتن از ۱۰۰ به سمت اعداد کمتر، نشانگر فساد بیشتر خواهد بود. بنا به اقتضای چگونگی قرارگیری شاخص فساد در این پژوهش و با تغییر مقیاس برای شاخص، نشان دادیم که اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهنده فساد کمتر و اعداد کوچک‌تر نشان‌دهنده فساد بیشتر در کشورها است. تمام تخمین‌ها در این الگو نیز توسط نرم‌افزار STATA13 انجام شده است.

۵ یافته‌ها و نتایج

نتایج حاصل از تحلیل ضرایب همبستگی بین متغیرهای اصلی الگو یعنی فساد و دموکراسی، حقوق مالکیت، ضریب جینی، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری فیزیکی، اندازه دولت، بی‌ثباتی سیاسی و امید به زندگی در جدول ۱ خلاصه شده است. ستون اول جدول نشان‌دهنده آنست که شاخص فساد همبستگی منفی با دموکراسی، حقوق مالکیت، رشد اقتصادی، هزینه‌های دولتی، سرمایه‌گذاری و امید به زندگی و همبستگی مثبتی با بی‌ثباتی سیاسی و ضریب جینی دارند. در ادامه، لازم بود تا ایستائی متغیرهای مورد استفاده در الگوی این پژوهش که از نوع داده‌های تابلویی است، مورد بررسی قرار گیرد. از این آزمون وقتی تعداد مقطع‌ها زیاد، تا حدی نامتقارن و دوره زمانی نسبتاً زیاد باشد استفاده می‌شود زیرا نسبت به سایر آزمون‌های کنترل مانایی و پایایی داده‌های پانلی برتری نسبی دارد. نتایج این بررسی که در آن فرضیه

[1] The International Country Risk Guide

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

صفر مبتنی بر ریشه واحد یا ناایستائی متغیرها با آزمون نوع فیشر[1]، در سطح ۵٪ معنی‌داری رد می‌شود در جدول پیوست ۲ این پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱

ماتریس همبستگی بین متغیرهای اصلی

	ICRG	GRP	INV	GOV	PI	PR	Life	GINI	DMO
ICRG	۱								
GRP	ـ۰/۱۷	۱							
INV	ـ۰/۴۳	۰/۰۹	۱						
GOV	ـ۰/۵۴	ـ۰/۱۰	۰/۳۹	۱					
PI	۰/۵۸	ـ۰/۱۴	ـ۰/۰۷	ـ۰/۲۶	۱				
PR	ـ۰/۷۰	۰/۰۰۰۳	۰/۳۵	۰/۴۶	ـ۰/۲۸	۱			
Life	ـ۰/۲۲	ـ۰/۰۳	۰/۱۴	۰/۲۴	ـ۰/۱۷	۰/۱۳	۱		
GINI	۰/۴۸	ـ۰/۱۲	ـ۰/۲۰	ـ۰/۲۷	۰/۲۲	ـ۰/۴۵	ـ۰/۱۴	۱	
DMO	ـ۰/۵۴	ـ۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۴۴	ـ۰/۳۵	۰/۵۷	۰/۳۷	ـ۰/۲۸	۱

یادداشت: اعداد داخل جدول از یافته‌های پژوهش استخراج شده است.

جهت انتخاب روش مناسب جهت بررسی اثرات متغیرها بر شاخص فساد با روش پانل دیتا، ابتدا از آزمون F لیمر[2] برای انتخاب بین روش‌های پانلی[3] و تلفیقی[4] و سپس از آزمون هاسمن[5] (۱۹۷۸) جهت انتخاب روش اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی، استفاده شد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۲)، مشخص گردید که سطح احتمال آماره آزمون F لیمر برای شاخص فساد (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) به‌دست آمد، نتیجه‌گیری شد که روش داده‌های پانلی () نسبت به روش داده‌های تلفیقی ارجحیت داشته و برای برازش الگوی رگرسیونی از روش داده‌های پانلی استفاده شد. همچنین با استفاده از آزمون بروش– پاگان برای بررسی بین اثرات تصادفی و روش داده‌های تلفیقی استفاده گردیده

[1] Fisher type
[2] Limer
[3] Panel
[4] Poold
[5] Hausman

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

است که نشان داده شد روش اثرات تصادفی بر روش داده‌های تلفیقی ارجحیت دارد. همچنین با توجه به اینکه سطح احتمال آماره هاسمن (۰/۰۰۰) برای شاخص فساد کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) به‌دست آمد، نتیجه‌گیری شد که روش رگرسیون با اثرات ثابت نسبت به روش رگرسیون با اثرات تصادفی ارجحیت دارد.

ضرایب حاصل از تخمین اثر متغیرها بر شاخص فساد ICRG در جدول (۲) با تأکید بر اعداد منتج از فرض پذیرفته‌شده اثرات ثابت خلاصه شده است.

جدول ۲

نتایج بررسی اثرات متغیر دموکراسی بر شاخص فساد ICRG

متغیر	Pooled OLS رگرس پانلی	Fixed Effect اثرات ثابت	Random Effect اثرات تصادفی
دموکراسی	۰/۳۳ـ (۰/۰۱)	۰/۴۹ـ (۰/۰۳)	۰/۶۹ـ (۰/۰۰)
رشد اقتصادی	۰/۲۸ـ (۰/۰۰)	۰/۳۷ـ (۰/۰۰)	۰/۳۷ـ (۰/۰۰)
ضریب جینی	۰/۰۹ (۰/۰۰)	۰/۳۶ (۰/۰۰)	۰/۳۶ (۰/۰۰)
سرمایه‌گذاری	۲/۳۳ـ (۰/۰۰)	۵/۷۵ـ (۰/۰۰)	۳/۹۷ـ (۰/۰۰)
حقوق مالکیت	۱۳/۶۴ـ (۰/۰۰)	۷/۵۶ـ (۰/۰۰)	۸/۵۹ـ (۰/۰۰)
امید به زندگی	۲/۰۳ (۰/۸۲)	۸/۴ـ (۰/۸۰)	۵/۴۵ـ (۰/۷۱)
هزینه‌های دولت	۰/۲۶ـ (۰/۰۰)	۰/۲۲ (۰/۱۳)	۰/۰۷ـ (۰/۴۷)
بی‌ثبات سیاسی	۳۱/۰۹ (۰/۰۰)	۱۹/۴ (۰/۰۰)	۲۲/۸۹ (۰/۰۰)
F-limer		۱۱/۲۳	(۰/۰۰)
Breusch and Pagan		۱۲۲۳/۴۶	(۰/۰۰)
H-hausman		۳۲/۱۱	(۰/۰۰)

یادداشت: اعداد داخل جدول از یافته‌های پژوهش استخراج شده است. تعداد کشورهای نمونه ۵۳ کشور است. اعداد داخل پرانتز ارزش احتمال آزمون را نشان می‌دهد.

ستون دوم از جدول (۲) برای اثرات ثابت نشان می‌دهد که دموکراسی اثر منفی معنی‌داری بر فساد دارد (مطابق با مطالعه گلداسمیت ۱۹۹۹ و راک ۲۰۰۹). همچنین متغیر حقوق مالکیت، نرخ رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری رابطه منفی و معنی‌داری با فساد دارند. به عبارت دیگر افزایش این متغیرها موجب کاهش فساد در اقتصاد کشورهای منتخب شده است که با تئوری‌های معرفی شده سازگار است. از سوی دیگر ضریب جینی و بی‌ثباتی سیاسی رابطه مثبت معنی‌داری با شاخص فساد دارند. این‌گونه می‌توان اشاره نمود زمانی که نابرابری‌های

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی در یک جامعه افزایش یابد مقدار فساد افزایش خواهد یافت. در تخمین حاضر روابط متغیرهای هزینه‌های دولت و امید به زندگی معنی‌دار نیستند[۱].

در ادامه، با توجه به ارجحیت اثرات ثابت در الگوهای پانلی، به بررسی الگوی رگرسیونی به تفکیک کشورهای رانتی و غیر رانتی پرداخته شد که نتایج در جدول (۳) خلاصه شده است. در جدول مشاهده می‌گردد که رابطه متغیر دموکراسی و شاخص‌های فساد برای دو تقسیم‌بندی انجام شده متفاوت است. به‌طوری‌که دموکراسی اثر منفی و معنی‌داری بر شاخص فساد در کشورهای غیر رانتی دارد. همچنین متغیرهای ضریب جینی، بی‌ثباتی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌دار با شاخص فساد و متغیرهای سرمایه‌گذاری، حقوق مالکیت و رشد اقتصادی رابطه منفی و معنی‌دار با شاخص فساد در کشورهای غیر رانتی دارند. رابطه متغیر هزینه‌های دولتی با شاخص فساد مثبت بوده اما معنی‌دار نیست. درحالی‌که برای کشورهای رانتی این متغیرها دارای ضرایب بی‌معنی هستند. البته به نظر می‌رسد که این نتایج به دلیل وجود ضریب جینی در الگوی حاصل است، زیرا داده‌ها و اطلاعات ضریب جینی برای کشورهای رانتی یا کم بوده و یا از کیفیت لازم برخوردار نیستند. به همین منظور، پس از حذف این ضریب از معادله، بار دیگر رابطه بین سایر متغیرها و شاخص فساد مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در کشورهای رانتی، رابطه بین شاخص فساد با دموکراسی منفی معنی‌دار است. همچنین متغیرهای رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت رابطه منفی معنی‌داری با شاخص فساد داشته و متغیرهای بی‌ثباتی سیاسی و هزینه‌های دولتی رابطه مثبت با شاخص فساد داشته که متغیر دوم به لحاظ آماری معنی‌دار نیست (جدول ۳).

[۱] در مورد بی‌معنی بودن یا علامت خلاف انتظار برخی متغیرها مانند هزینه‌های دولت باید این نکته را خاطرنشان کرد که، در بیشتر مطالعات به‌صورت معادلات تکی نشان داده شده است که علامت مورد انتظار این ضرایب، معنی‌دار بوده؛ شاید بتوان این‌گونه بیان نمود که اثر برآورد مشترک ممکن است موجب نشان دادن بی‌اثری و یا علامت خلاف انتظار این متغیرها بر روی متغیر فساد شده باشد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

جدول ۳

نتایج رابطه دموکراسی و شاخص فساد درکشورهای رانتی و غیر رانتی

متغیر	رانتی		غیر رانتی
	با ضریب جینی	بدون ضریب جینی	
دموکراسی	۰/۸۸- (۰/۳۴)	۱/۳۴- (۰/۰۰۱)	۰/۵۳- (۰/۰۵)
رشد اقتصادی	۰/۷۴- (۰/۲۹)	۰/۲۵- (۰/۰۵)	۰/۴۲- (۰/۰۰)
ضریب جینی	۲/۷ (۰/۲۵)	-	۰/۳۵ (۰/۰۰)
سرمایه‌گذاری	۱۰/۹۳ (۰/۶۶)	۹/۲۸- (۰/۰۱)	۵/۵۵- (۰/۰۰)
حقوق مالکیت	۳۹/۱- (۰/۱۰)	۱۶/۳۸- (۰/۰۰)	۶/۱- (۰/۰۰)
هزینه‌های دولت	۶/۴۷- (۰/۴۱)	۰/۲۷ (۰/۲۹)	۰/۲۰ (۰/۱۵)
بی‌ثبات سیاسی	۴۵/۹۴ (۰/۲۵)	۳۷/۸۵ (۰/۰۰)	۱۸/۳۹ (۰/۰۰)

یادداشت: اعداد داخل جدول از یافته‌های پژوهش استخراج شده است. اعداد داخل پرانتز ارزش احتمال آزمون را نشان می‌دهد.

در ادامه، اثرات متقابل دموکراسی و حقوق مالکیت و همچنین اثرات متقابل دموکراسی و نابرابری درآمدی بر شاخص فساد را وارد الگو شده و تأثیر آن بر رابطه فساد و دموکراسی مورد تجزیه تحلیل قرارگرفت. برای این منظور نیز از متغیرهای جدیدی که حاصل‌ضرب دموکراسی در حقوق مالکیت و همچنین حاصل‌ضرب دموکراسی در نابرابری درآمدی است (رابطه ۱۸) استفاده شد و آن‌ها را به‌عنوان متغیر مستقل وارد الگوی تخمین نمودیم تا اثرات ضربدری نیز بررسی شوند (جدول ۴). نتایج به‌دست‌آمده در ستون اول جدول (۴)، که در آن تنها یک متغیر جدید یعنی حاصل‌ضرب متغیر نابرابری درآمد و دموکراسی به الگو وارد شده است، نشان می‌دهد که اثر خطی دموکراسی برای شاخص ICRG کمتر شده یا این رابطه معنی‌دار نخواهد بود. نتایج در ستون دوم جدول (۴)، با وارد کردن تنها متغیر حاصل‌ضرب دموکراسی و حقوق مالکیت در الگو نشان می‌دهد که رابطه بین فساد و دموکراسی بیشتر شده و بیانگر این واقعیت که اثر دموکراسی بر روی فساد به‌وسیله متغیر حقوق مالکیت تقویت می‌شود. در تفسیر ضریب دموکراسی این‌گونه می‌توان بیان نمود، که در صورت وجود متغیر حاصل‌ضرب دموکراسی در حقوق مالکیت در الگو، افزایش دموکراسی موجب کاهش بیشتر فساد در جامعه می‌شود. بنابراین در کشوری که حقوق مالکیت وجود دارد، دموکراسی فساد را بیشتر کاهش می‌دهد. به‌طورکلی در تطابق با نتیجه‌گیری آدس و دی تلا (۱۹۹۷) و همچنین فیزمن و

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

گیتی (۲۰۰۲)، اثر کلی دموکراسی بر فساد بستگی به ترکیب اطمینان از حقوق مالکیت و دموکراسی در یک کشور دارد.

ستون سوم از نتایج حاصله در جدول (۴)، نیز گویای آن است که اثر مجذوری دموکراسی یا غیرخطی دموکراسی بر فساد وجود ندارد و با توجه به تخمین اثر خطی دموکراسی بر شاخص فساد را نیز بی‌معنی می‌سازد. در ستون چهارم از جدول (۴) نشان داده شده است که اگر متغیرهای حاصل‌ضرب دموکراسی در نابرابری درآمد و حاصل‌ضرب دموکراسی در حقوق مالکیت به‌صورت هم‌زمان در الگو آورده شود، اثر دموکراسی بر فساد بی‌معنی می‌گردد. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده وجود هم خطی بین متغیرهای جدید وارد شده باشد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

جدول ۴

بررسی اثرات متغیر دموکراسی بر شاخص فساد ICRG

متغیر	۱	۲	۳	۴
دموکراسی	۱/۲۳ (۰/۱۸)	-۱/۰۷ (۰/۰۱)	۰/۰۹ (۰/۸۹)	۰/۵۵ (۰/۳۳)
رشد اقتصادی	-۰/۳۵ (۰/۰۰)	-۰/۳۷ (۰/۰۰)	-۰/۳۷ (۰/۰۰)	-۰/۳۶ (۰/۰۰)
ضریب جینی	۰/۰۳ (۰/۸۵)	۰/۳۳ (۰/۰۰)	۰/۳۷ (۰/۰۰)	۰/۰۵ (۰/۷۹)
سرمایه‌گذاری	-۵/۹۴ (۰/۰۰)	-۶/۰۴ (۰/۰۰)	-۵/۸۷ (۰/۰۰)	-۶/۱۴ (۰/۰۰)
حقوق مالکیت	-۶/۷۶ (۰/۰۰)	-۳/۱۲ (۰/۳۳)	-۷/۹۲ (۰/۰۰)	-۳/۲۵ (۰/۳۰)
امید به زندگی	-۲۱/۸ (۰/۵۰)	-۴/۲۳ (۰/۹)	-۶/۳۵ (۰/۸۵)	-۱۵/۴۲ (۰/۶۵)
هزینه‌های دولت	۰/۱۹ (۰/۱۹)	۰/۱۸ (۰/۲۲)	۰/۲۳ (۰/۱۲)	۰/۱۶ (۰/۲۷)
بی‌ثبات سیاسی	۱۹/۶۷ (۰/۰۰)	۱۹/۱۵ (۰/۰۰)	۲۱/۲۴ (۰/۰۰)	۱۹/۳۶ (۰/۰۰)
حقوق مالکیت* دموکراسی	-	-۰/۹ (۰/۰۹)	-	-۰/۷۴ (۰/۱۷)
ضریب جینی* دموکراسی	-۰/۰۴ (۰/۰۵)	–	–	-۰/۰۳ (۰/۰۸)
دموکراسی^۲	–	–	۰/۰۳ (۰/۳۵)	–
R^2	۰/۵۵	۰/۵۸	۰/۵۶	۰/۵۶

یادداشت: اعداد داخل جدول از یافته‌های پژوهش استخراج شده است. تعداد کشورهای نمونه ۵۳ کشور است. اعداد داخل پرانتز ارزش احتمال آزمون را نشان می‌دهد.

۱.۵ آزمون جامعیت الگو[۱]

در این مرحله، برای مشاهده اینکه آیا متغیرهای انتخاب‌شده به‌طور کامل می‌توانند اثرات دموکراسی بر شاخص‌های فساد را نشان دهند، یک آزمون بر روی باقیمانده‌های معادله انجام می‌گیرد. این آزمون از رگرسیون بردار باقیمانده‌های حاصل‌شده از معادله بر روی شاخص

[۱] Exhaustiveness of the Model

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

فساد به دست می‌آید. در صورت معنی‌دار بودن این رگرسیون، نشان‌دهنده آن است که برخی متغیرهای مهم و تأثیرگذار از معادله حذف شده است، لذا این متغیرها معرفی شده در معادله ارتباط بین فساد و دموکراسی را به‌خوبی بیان نمی‌کنند. جدول (۵) نتایج حاصل از تخمین‌های رگرسیون پانل (اثرات ثابت) برای شاخص مدنظر آورده شده است. نتایج نشان می‌دهند که اثر باقیمانده‌ها بر روی فساد منفی است و اما به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. صرف‌نظر از اینکه روش تخمین و شاخص فساد چه باشد. این نتیجه تائید می‌کند که فرضیه متغیرهای مهم حذف شده معنی‌دار نیست و بنابراین متغیرهای انتخاب‌شده برای بررسی رابطه بین دو متغیر دموکراسی و فساد از جامعیت لازم برخوردار هستند.

جدول ۵

آزمون باقیمانده‌ها به‌دست‌آمده از معادله برای رگرسیون اثرات ثابت

	ICRG
دموکراسی	۰/۲۳۴ـ (۰/۶۳۲)
N	۵۳
R^2	۰/۰۰۰۸

یادداشت: اعداد داخل جدول از یافته‌های پژوهش استخراج شده است. اعداد داخل پرانتز ارزش احتمال آزمون را نشان می‌دهد.

در انتها، برای بررسی اثر غیرشرطی دموکراسی بر شاخص فساد، تمامی متغیرهای کنترلی اثر دموکراسی بر فساد را از الگو حذف نموده و فقط اثر کلی شاخص دموکراسی بر شاخص فساد مورد بررسی قرارگرفت. نتایج حاصل از بررسی اثر غیرشرطی دموکراسی بر شاخص فساد در جدول (۶) بیانگر وجود سازگاری با یافته‌های قسمت‌های قبل است. همچنین نتایج اثر غیرشرطی دموکراسی بر فساد در کشورهای رانتی و غیر رانتی در جدول (۶) نیز نشان می‌دهد که شاخص دموکراسی اثر معکوس بیشتری بر شاخص فساد در کشورهای منتخب رانتی (۱/۷۸ـ) نسبت به کشورهای غیر رانتی (۰/۷۷ـ) در این الگو دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با اتکا به این شاخص فساد در کشورهای رانتی نسبت به کشورهای غیررانتی، رابطه منفی قوی‌تری بین فساد و دموکراسی وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش دموکراسی در کشورهای رانتی، امکان کاهش فساد به مقدار بیشتری وجود خواهد داشت.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

جدول ۶

اثر غیرشرطی دموکراسی بر شاخص فساد به تفکیک کشورهای رانتی و غیر رانتی

	کشورهای رانتی	کشورهای غیر رانتی	همه کشورها
دموکراسی	۱/۷۸-	۰/۷۷-	۱/۲۰-
	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)
عرض از مبدأ	۸۵/۹۶-	۷۸/۵۲-	۸۰/۳۱-
	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)
N	۹	۲۶	۵۳
R^2	۰/۰۰۴	۰/۳۸	۰/۳۲

یادداشت: اعداد داخل جدول از یافته‌های پژوهش استخراج شده است. اعداد داخل پرانتز ارزش احتمال آزمون را نشان می‌دهد.

۶ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باور عمومی بر آنست که دموکراسی اثرات مفید بسیاری بر کشورها دارد، اما آیا قادر است بازدارنده فساد باشد؟ برخی عقیده دارند که انتخابات دموکراتیک همواره کنترل‌کننده فساد نبوده و برخی نظام‌های انتخاباتی آسیب‌پذیرتر از سایر نظام‌ها در قبال فساد هستند. هنگامی که قدرت در دست گروهی معدود باشد، این گروه ممکن است قانونی رفتار نمایند و یا فساد را در پیش گیرند. در واقع این گروه معدود می‌توانند به دنبال کنترل فساد و یا خود عامل نشر فساد باشند. ادبیات موضوع این پژوهش، شواهد متفاوتی را فراهم نموده که نشان می‌دهد هنوز جواب‌های قاطعی وجود ندارد. البته در برخی از مطالعات اقتصادی نشان داده شده که اثر دموکراسی بر روی فساد بستگی به متغیرهای دیگر همچون حقوق مالکیت و نابرابری درآمد دارد و به همین دلیل در این پژوهش، یک بررسی نظری و تجربی از رابطه بین دموکراسی و فساد با توجه به دو متغیر فوق‌الذکر صورت گرفت. در الگوی نظری، راهکاری برای اثرگذاری دموکراسی بر فساد معرفی شد که در آن سعی گردید تا با وارد کردن متغیرهای مهم نظیر توزیع درآمد و حقوق مالکیت و بررسی مقایسه‌ای آن در بین ۵۳ کشور منتخب درحال‌توسعه و توسعه‌یافته، الگوهای گذشته را گسترش داد. نتایج این پژوهش تائید کننده عمده مبانی نظری و مطالعات تجربی ارائه شده در قبل می‌باشد. به‌طوری‌که نتایج حاصل از تخمین مدل در این پژوهش رابطه منفی بین دموکراسی و فساد را در کشورهای مورد مطالعه نشان داد و همچنین مشخص نمود است که حمایت از حقوق مالکیت و افزایش نابرابری درآمدی به ترتیب اثر منفی و مثبت معنی‌داری بر شاخص فساد در کشورهای مزبور طی سال‌های مورد بررسی داشته است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

همچنین جهت تائید انتخاب درست متغیرها در مدل تخمین نتایج حاصل از بررسی الگوی جامعیت نشان داد که اثر غیرشرطی دموکراسی بر شاخص‌های فساد منفی است. در مقایسه بین کشورهای غیررانتی و کشورهای رانتی نیز نتایج بیانگر این واقعیت بود که اثر دموکراسی بر فساد برای دو گروه کشورهای رانتی و غیررانتی متفاوت است، به‌طوری‌که که اثر دموکراسی بر فساد در کشورهای رانتی بیشتر از کشورهای غیر رانتی است. همچنین نتایج تخمین‌ها نشان داد که اثر دموکراسی بر روی فساد مشروط به متغیر حقوق مالکیت می‌باشد. به این معنی که با افزایش حمایت از حقوق مالکیت دموکراسی می‌توان عملکرد بهتری جهت کنترل فساد را مشاهده نمود. از طرف دیگر ازآنجایی‌که اگر نظام حقوق مالکیت نامطمئن در کشوری برقرار باشد، دموکراسی ممکن است حتی منجر به افزایش فساد گردد، بنابراین تقویت حمایت از حقوق مالکیت بر گسترش دموکراسی مقدم می‌باشد.

فهرست منابع

پناهی، ح.، و امینی، ا. (۱۳۹۰). دولت رانتی، اقتصاد دولتی، فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران. *فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌الملل*. شماره هفتم، ۵۹ـ۹۴.

رفیع پور، ف. (۱۳۸۸). *سرطان اجتماعی فساد*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

رزـ آکرمن، س. (۱۳۸۵). *فساد و دولت: علت‌ها و پیامدها و اصلاح*. تهران: مترجم منوچهر صبوری، انتشارات پردیس دانش.

صادقی، ح.، عصاری، ع.، و شقاقی شهری، و. (۱۳۸۹). اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی). *پژوهشنامه اقتصادی*. سال دهم، شماره چهارم، ۱۳۹ـ۱۷۴.

صباحی، ا. و ملک الساداتی، س. (۱۳۸۸). اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی. *پژوهشنامه بازرگانی*. سال ۱۴، شماره ۵۳، ۱۳۱ـ۱۵۸.

صیادزاده، ع.، و علمی، ز. (۱۳۹۰). رابطه فساد و سرمایه اجتماعی در الگوهای رشد. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه*. شماره ۵۰، ۷ـ۳۵.

Ades, A., & Di Tella, R. (1997). National Champions and Corruption: Some Unpleasant Interventionist Arithmetic. *The Economic Journal*, 107(443), 1023-1042.

Ades, A., & Di Tella, R. (1999). Rents, Competition and Corruption. *The American Economic Review*. 89(4), 982-993.

Alesina, A., & Angeletos, G. (2005). Corruption, inequality, and fairness. *Journal of Monetary Economics*. Vol. 52, 1227-1244.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

Adsera, A. Boix, C., & Payne, M. (2003). Are You Being Served? Political Accountability and Quality of Government. *Journal of Law, Economics and Organization*. Vol. 19, 445-490.

Barro, R., & Sala-i-Martin, X. (1995). *Economic Growth*. U.S.: MIT Press.

Billger, S. M., & Goel, R.K. (2009). Do Existing Corruption Levels Matter in Controlling Corruption? *Journal of Development Economics*. 90(2), 299-305.

Bohara, A. K., Mitchell, N. J., & Mittendorff, C. F. (2004). Compound Democracy and the Control of Corruption: A Cross-Country Investigation. *Policy Studies Journal*. 32(4), 481-499.

Bueno de Mesquita, B., Morrow, J. D., Siverson, R., & Smith. A. (2001). Political Competition and Economic Growth. *Journal of Democracy*. Vol. 12, 58-72.

Cervellati, M., Fortunato, P., & Sunde, U. (2008). Hobbes to Rousseau: Inequality, Institutions and Development. *Economic Journal*. Vol. 118, 1354-1384.

Chowdhury, S. K. (2004). The Effect of Democracy and Press Freedom on Corruption: An Empirical Test. *Economics Letters*. 85(1), 93–101.

Clague, C., Keefer, P., Knack, S., & Olson, M., (1996). Property and Contract Rights in Autocracies and Democracies. *Journal of Economic Growth*. Vol. 1, 243–276.

Emerson, P.M. (2006). Corruption, Competition and Democracy. *Journal of Development Economics*. Vol. 81, 193-212.

Fisman, R., & Gatti, R. (2002). Decentralization and Corruption: Evidence across Countries. *Journal of Public Economics*. 83(3), 325-345.

Glaeser, E. L., Scheinkman, J., & Shleifer, A. (2003). The Injustice of Inequality. *Journal of Monetary Economics*. Vol. 50, 199-222.

Goel, R. K., & Nelson, M. A. (2005). Economic Freedom versus Political Freedom: Cross‐Country Influences on Corruption. *Australian Economic Papers*. 44(2), 121-133.

Goldsmith, A. A. (1999). Slapping the Grasping Hand: Correlates of Political Corruption in Emerging Markets. *American Journal of Economics and Sociology*. Vol. 58, 865-883.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

Gradstein, M. (2007). Inequality, Democracy and Protection of Property Rights. *The Economic Journal*. Vol. 117, 252-269.

Gupta, S., Verhoeven, M., & Tiongson, E. R. (2002). The Effectiveness of Government Spending on Education And Health Care in Developing and Transition Economies. *European Journal of Political Economy*. Vol. 18, 717-737.

Gylfason, T. (2001). Natural Resource and Economic Growth: What Is The Connection? CES info Working Paper, No 530.

Jain, A. k. (2001). Corruption: A review. Journal of economic surveys, 15 (1), 71-121.

Johnson, S., Kaufmann, D., McMillan, J., & Woodruff, C. (2000). Why do firms hide? Bribes and unofficial activity after communism. *Journal of Public Economics*. Vol. 76, 495-520.

Kaufmann, D., Kraay, A., & Zoido-Lobaton, P. (1999). *Governance Matters: World Bank Policy Research*. Working Paper, No 2196.

Kotera, K., Okada, S., & Samreth, S. (2012). Government size, democracy, and corruption: An Empirical Investigation. *Economic Modeling*. 29(6), 2340-2348.

La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. (1999). The Quality of Government. *Journal of Law, Economics, and Organization*. Vol. 15, 222-279.

Lipset, S. M. (1959). Some Social Requisites of Democracy. *American Political Science Review*. Vol. 53, 69–105.

Mahdavy, H. (1970). The Pattern and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran, Studies in the Economic History of the Middle East, ed. M.A. Cook (Oxford University Press, Oxford).

Mauro, P. (1995). Corruption and Growth. *Quarterly Journal of Economics*. 110(3), 681-712.

Montinola, G. R., & Jackman, R. W. (2002). Sources of Corruption: A Cross-National Study. *British Journal of Political Science*. 32(1), 147-170.

North, D. (1990). *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*. Cambridge: Cambridge University Press.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

Pellegrini, L. (2011). *The Effect of Corruption on Growth and its Transmission Channels*. In Pellegrini, L. (2011), Corruption, Development and the Environment .Chapter 4, 53-74, Springer.

Rock, M. (2007). *Corruption and Democracy*. UN/DESA Working Paper No 55.

Rock, M. (2009). Corruption and Democracy. *Journal of Development Studies*. Vol. 45, 55-75.

Rodrik, D. (2002). Institutions for High-Quality Growth: What They Are and How to Acquire Them. NBER WP, NO 7540.

Saha, S., Gounder, R., & Su, J. J. (2009). The Interaction Effect of Economic Freedom and Democracy on Corruption: A Panel Cross-Country Analysis. *Economics Letters*. 105 (2), 173-176.

Sirowy, L., & Inkeles. A. (1990). The Effects of Democracy on Economic Growth and Inequality: A Review. *Studies in Comparative International Development*. Vol. 25, 126-57.

Sonin, K. (2003). Why the Rich May Prefer Poor Protection of Property Rights. *Journal of Comparative Economics*. Vol. 31, 715-731.

Sung, H. (2004). Democracy and Political Corruption: a Cross-National Comparison. *Crime, Law and Social Change*. 41 (2), 179-194.

Tocqueville, A. (1835). Democracy in America. Available at:
http://ebooks.adelaide.edu.au/t/tocqueville/alexis/democracy/

Treisman, D. (2000). The Causes of Corruption: A Cross-National Study. *Journal of Public Economics*. 76 (3), 399–457.

Treisman, D. (2007). What Have We Learned About the Causes of Corruption From Ten Years of Cross-National Empirical Research? *Annual Review of Political Science*. Vol. 10, 211-244.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

پیوست

پیوست ۱ لیست کشورهای منتخب

الجزایر	برزیل	قبرس	فرانسه	اندونزی	کره جنوبی	هلند	پاراگوئه	روسیه
آرژانتین	کانادا	چک	آلمان	ایران	آفریقای جنوبی	نیوزلند	فیلیپین	عربستان
استرالیا	شیلی	دانمارک	یونان	عراق	مالزی	نیجریه	لهستان	لیبریا
اتریش	چین	مصر	مجارستان	ایتالیا	مکزیک	نروژ	قطر	اسپانیا
بلژیک	کلمبیا	فنلاند	هند	ژاپن	عمان	پاکستان	رومانی	سوئد
سوئیس	سوریه	ترکیه	انگلستان	امریکا	ونزوئلا	اکوادور		

لیست کشورهای منتخب رانتی

الجزایر	ایران	عراق	عمان	ونزوئلا	بحرین	امارات متحده	قطر	عربستان
کویت	لیبی	آذربایجان	ترکمنستان	قزاقستان	مغولستان			

پیوست ۲ نتایج ریشه واحد متغیرهای الگو

متغیر	آزمون	متغیر	آزمون	متغیر	آزمون
dmo	−۱۱/۹ (۰/۰۰۰)	INV	−۱۰/۷۸ (۰/۰۰۰)	GOV	−۱۰/۴۸ (۰/۰۰۰)
ICRG	−۷/۶۰ (۰/۰۰۰)	PR	−۵/۴۵ (۰/۰۰۰)	Gini	−۶/۹۹ (۰/۰۰۰)
GR	−۹/۳۵ (۰/۰۰۰)	PI	−۸/۱۹ (۰/۰۰۰)	life	−۵/۹۰ (۰/۰۰۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1395.9.29.2.5]
[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]